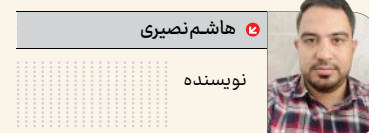


تحریم خانواده؛ تحریم هویت

■ چند خط برای نمایشگاه سی و چهارم



هاشم نصیری

نویسنده

مثل خیلی‌های دیگر در ابتدای ورود به فضای نمایشگاه، آن بنرهای معروف که چند روزی سوزده شبکه‌های مجازی شده بود، توجهم را جلب کرد. یکی از دوستان که همراهم بود با تأسف پرسید:

«اصلاً تولستوی چنین جمله‌ای داره؟»

به او گفتم: چه فرقی داره؟ بر فرض که داشته باشه. مایی که قال الصادق و قال الباقر روی مان تأثیری نداشته، بعید می‌دونم که قال التولستوی به کارمان بیاید!

برای خرید نیامده بودم، چون همان روز اول همه لیستم را خریده بودم. نکته جالب بخش مجازی حضور گرم و صمیمی کسانی بود که به قول خودشان، نمایشگاه را تحریم کرده بودند ولی دل‌شان نمی‌آمد که برای این تحریم هزینه‌ای بپردازند و با قوت در بخش مجازی مشغول فروش کتاب‌های‌شان بودند. نکته دیگر این بود که بعضی از انتشارات‌های معروف، خیال‌شان را راحت کرده بودند و با زدن یک برچسب ساده روی پشت جلد کتاب‌ها، قیمت‌ها را دو برابر کرده بودند.

خودم را به راهروی شماره ۱۷ و «غرفه کتابستان معرفت» رساندم و مطابق انتظارم مورد استقبال گرم و پرشور مسعود آذرباد و نیما اکبرخانی قرار گرفتم. آن قدر گرم گرفتم که تا ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه همان‌جا ماندم و دیگر نتوانستم به دیدار سایر دوستانم بروم.

۱۰ سال است که با هر ضرب و زوری که هست خودم را به نمایشگاه کتاب می‌رسانم و سعی می‌کنم برای چند ساعتی هم که شده خودم را در معرض کتاب‌های تازه از راه رسیده و نویسنده‌های مورد علاقه‌ام قرار بدهم. نمایشگاه کتاب از جمله اندک فعالیت‌های فرهنگی مستمر و تأثیرگذار کشور است که با گوشت و پوست و خون مردم عجین شده و جایش را در دل آنها پیدا کرده است. حداقلش این است که همگی می‌دانیم هر سال ۱۰ روز از اردیبهشت ماه را با این رویداد کم‌نظیر دلخوش خواهیم بود.

نمایشگاهی که خانه رؤیایی اهالی فرهنگ و هنر و ادب است و هر قدر هم که خسته یا دلخور یا سیاست‌زده باشیم، اذ‌ل‌مان نمی‌آید با تحریم کردن بخش‌هایی از آن، پای‌مان را از آن بیرون بگذاریم. کسی که خانواده‌اش را تحریم می‌کند، در واقع هویت خود را تحریم کرده است.



«مقام اسماعیل»: روایتی از نابغه محور مقاومت



برگردم. با پسر به تهران برگشتیم. حاج اسماعیل مدام در تماس بود که مراقب ما باشد. با وجود این‌که سختی ندیدن او بسیار زیاد بود اما حاج اسماعیل تاج افتخار شهادت را به ما داد و من به خود می‌بالم. به فرموده حاج قاسم که حرف ایشان دل‌گرمی و پشتوانه زندگی ما بود، «خون شهید باعث شکسته شدن محاصره حلب شده است».

مراسم رونمایی کتاب «مقام اسماعیل»، زندگی‌نامه داستانی شهید حاج اسماعیل حیدری، شهید محور مقاومت، با حضور خانواده و جمعی از سرداران محور مقاومت و اهالی قلم در غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی در نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد.

جواد کامور بخشایش، نماینده انجمن پیشکسوتان سپاس، درخصوص فعالیت‌های این انجمن گفت: انجمن پیشکسوتان سپاس به‌عنوان مجموعه‌ای مردم‌نهاد با چند هدف ایجاد شده و با پیشینه‌ای ۱۰ ساله در معرفی شهدای ایثار و شهادت قدم گذاشته و در این مسیر به خوبی پیش می‌رود.

کامور بخشایش ضمن اشاره به این‌که ژانر کتاب مقام اسماعیل فقط زندگی‌نامه داستانی نیست، بلکه دوروایت واقعی و داستانی مکمل هم در این کتاب پیش می‌روند، گفت: شهید اسماعیل حیدری از شهدای ویژه و نابغه در عرصه اطلاعات و امنیت است که سال ۹۲ در نبرد سوریه به‌عنوان نیروی مستشاری به شهادت رسید. ایشان با داشتن مدرک کارشناسی ارشد از یک رشته خاص از دانشگاه امام حسین در همان سال شهادت در دانشگاه تهران در رشته دیگری قبول شده بودند که بعد از شهادت‌شان این خبر به گوش خانواده ایشان می‌رسد.

اسماعیل مردانه جنگید

سردار امیر اشرفی، از پیشکسوتان مدافعان حرم و هم‌رمز شهید اسماعیل حیدری، ضمن گرامیداشت یاد و نام شهید و حاج قاسم سلیمانی و شهید حیدری بیان کرد: حاج اسماعیل در سپاه در جنگ ایران و عراق به درجه جانبازی رسید و بعد از آن وارد سپاه شد و خدمات زیادی را انجام داد. ایشان در محور مقاومت در زمینه سلاح و تخریب و... تجربه زیادی داشت و با سن بالایی که داشت، رزمی‌کار بسیار خوبی بود. ایشان در نماز جماعت همیشه حاضر بود و از خاطرات جبهه‌ها تعریف می‌کرد و با جوان‌ها رفاقت صمیمانه‌ای داشت. سال ۹۱ در سوریه جنگ به اوج خود رسید و ایشان درخواست کرد به منطقه برود. پس از اعزام به حلب و با وجود محاصره آن منطقه، برگشت. اسماعیل مردانه جنگید و برای پاک‌سازی منطقه با تکفیری‌ها مبارزه کرد.

حاج اسماعیل، تاج افتخار شهادت را به ما داد

زهرآغلامی، همسر شهید حیدری درخصوص خلقیات و سبک زندگی ایشان گفت: زمانی که ازدواج کردیم، ایشان هر لحظه در تکاپو بود. به یاد دارم زمانی که مربی سلاح بود، با خلایقی که داشت، سلاح طراحی می‌کرد. ایشان وقتی وارد یادگان شد، یک مربی ۱۹ ساله بود و با سن کمی که داشت، مربی نمونه و قهار بود. ایشان بهترین مربی برای شاگردان و بهترین فرزند برای پدر و مادرشان بود. شهادت ایشان دعای خیر پدر و مادرشان بود. افتخار ایشان فرزندان‌شان بودند و به خودش در این زمینه می‌بالید.

غلامی با اشاره به شهادت ایشان گفت: آن زمان در آمل بودیم. بعد از ظهر در خواب نفسم بالا نمی‌آمد. روز قبل شهادت حاج اسماعیل بود. انگار خدا می‌خواست ندایی بدهد تا به تهران



شهدا شهید

می‌شوند تا به ما

بفهمانند شهادت

نورانیت و سمبل

اصلی یک جامعه

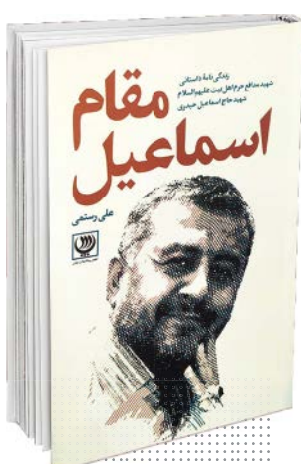
است. برای آرامش

و زیستن در جامعه

خون‌هایی ریخته

شده تا به امنیت

برسیم



شهادت، نورانیت و سمبل اصلی یک جامعه است

سردار رمضان رضایی ضمن گرامیداشت مقام شهدای مقاومت بیان کرد: خدمات شهید حیدری بسیار زیاد است. ایشان از قوی‌ترین اساتید استان مازندران بود و بنده افتخار آشنایی با ایشان را بیش از ۳۰ سال دارم. ایشان علاوه بر حضور در نیروی قدس در لشکر ویژه ۲۵ کربلانیز بود. خدمات ایشان را در یک کتاب نمی‌شود جا داد و صدها کتاب می‌توان درباره ایشان نوشت.

سردار محمد معصومی، از هم‌زمان دفاع مقدس و دفاع از حرم، در این مراسم گفت: شهدا شهید می‌شوند تا به ما بفهمانند شهادت نورانیت و سمبل اصلی یک جامعه است. برای آرامش و زیستن در جامعه خون‌هایی ریخته شده تا به امنیت برسیم. شهید حیدری نیرویی برجسته، باذکاوت، باهوش و با دانش بود که در همه زمینه‌ها تخصص داشت. زبان عربی را خوب می‌دانست و بسیار مسلط بود.

نمی‌ازد دریا

علی رستمی، نویسنده کتاب بیان کرد: در آخرین روزهای نگاشتن کتاب بود که صوتی را از سخنان حاج قاسم درباره شهید حیدری از همسر شهید گرفتم و باعث افتخار من است که مخاطب این جمله ایشان قرار گرفتم: «هنری می‌خواهد در نگارش که خون یک مرد مازندرانی از هزاران کیلومتر بیاید و محور آزادی حلب شود.»

رستمی ادامه داد: وقتی پیشنهاد نوشتن این کتاب به بنده شد، محدودیت در تعداد صفحه و مصاحبه و ضبط داشتم و با موانع و محدودیت‌هایی مواجه بودم اما نمی‌ازد دریا را به عهده گرفتم که نشان دهم.

رستمی با اشاره به مشکلات حین کار گفت: دسترسی به منابع اطلاعاتی و مصاحبه‌ها آسان نیست. از نظر من هم این کتاب ناقص است، یعنی باید به مکان‌هایی که شهید رفته بروم و قدم به قدم روزهای آخر او را بچشم. چند بار به حلب و به قتلگاه شهید رفتم و شاهد گریه هم‌زمان زیادی بودم. وقتی از سفر برگشتم با شهادت حاج قاسم روبه‌رو شدم.

نویسنده کتاب مقام اسماعیل افزود: کتاب با سفر من تغییر کرد و گویی آن را از نو نوشتم. این سفر بابرکت بود و رفتن به اماکن و سنگرهای محرمانه توفیق شد تا جبهه مقاومت به من اعتماد کند. سال ۹۹ بیشترین ایام را در شرق سوریه گذراندم و روی موضوع داعش بسیار مطالعه کردم. با دوستان بسیاری از نیروی فاطمیون، زینبیون و حیدریون حدود ۶۰ ساعت مصاحبه کردم.